

پشت پرده اختلافات اعضای اتحادیه عرب بر سر بیانیه ضد ایرانی

روز دوشنبه، بیست و هفتمین اجلاس سران کشورهای عربی، در «نواکشوت» پایتخت موریتانی با همان نتایج کلیشه ای به کار خود پایان داد و بیانیه اختتامیه این نشست نیز خوانده شد.



به گزارش آرآن نیوز: قرار بود اجلاس سران اتحادیه عرب در کشور مغرب برگزار شود؛ اما «ملک محمد»، پادشاه مغرب از میزبانی این اجلاس منصرف شد و با عذرخواهی بیانیه‌ای صادر کرد تا دلایل انصراف خود را اعلام کرده باشد. در این نشست، هشت تن از رؤسا و رهبران عرب حضور داشتند و چهارده رهبر دیگر به دلایلی در این نشست حضور نیافتند.

سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان، عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر، عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس‌جمهور الجزایر، سلطان قابوس، پادشاه عمان از جمله غایبان این نشست بودند. تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر نیز روز دوشنبه پس از پایان جلسه افتتاحیه، نواکشوت را ترک کرد و به کشور خود بازگشت.

نکته جالب این نشست - که به نظر می‌رسد نمایشی بودن و بحرانی شدن وضعیت اتحادیه عرب را بیش از پیش نشان می‌دهد - این بود که حتی عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهور مصر هم در این نشست حضور پیدا نکرد تا بنا بر پروتکل مرسوم و به عنوان رئیس اجلاس قبل، ریاست بیست و هفتمین اجلاس را به «محمد ولد عبدالعزیز»، رئیس‌جمهور موریتانی واگذار کند! شاید بتوان گفت، مهم‌ترین اتفاق این کنفرانس، رونمایی از احمد ابوالغیط به عنوان دبیر کل تازه اتحادیه عرب به جای نبیل العربی بود و جز این چیز دیگری دیده نشد، مگر تأیید دلایلی که ملک محمد پیش از این برای انصراف خود از میزبانی اجلاس مطرح کرده بود.

اولین دلیل ملک محمد مربوط می‌شد به چالش‌ها و نیازهای امروز جهان عرب که به گفته او، سران اتحادیه عرب در اجلاس خود، موفق به اخذ تصمیماتی در سطح مقتضیات کشورهای عضو و انتظارات ملت‌های عرب نمی‌شوند. این لحنی محترمانه بود از واقعیت نمایشی اجلاس سران این اتحادیه که در تاریخ هفتاد ساله آن دیده شد، به نحوی که آنها طی این مدت طولانی نتوانسته‌اند کوچک‌ترین گامی در برآورده کردن منافع ملل خود بردارند.

از طرف دیگر، دو دستگی‌ها و اختلافات بین این رهبران آن قدر جدی بوده که همواره خود را در اجلاس سران نشان بدهد و ملک محمد هم به همین دلیل حاضر به میزبانی این اجلاس نباشد. او در بیانیه خود بر این موضوع انگشت گذاشت و گفت، «سران کشورهای عرب دیگر نباید به شناسایی واقعیت تلخ دودستگی و اختلافات در جهان عرب بسنده کنند».

در واقع رهبران جهان عرب در هفت دهه گذشته و در حالی گرد هم می‌آمدند که اختلاف و حتی دشمنی بین آنها پنهان شدنی نبود و نمونه بارز آن در اجلاس سران 1990 در بغداد بود. صدام در حالی میزبان اجلاس بود و از امیر کویت استقبال می‌کرد که برای حمله و اشغال این امیرنشین عربی نقشه می‌کشید و چند ماه بعد هم نقشه خود را عملی کرد.

اختلافات میان اعضای اتحادیه عرب را نیز می‌توان به خوبی در اجلاسی که گذشت، مشاهده کرد. آن‌ها علاوه بر اختلافات درونی که با یکدیگر داشتند، بر سر موضوعات منطقه‌ای دیگری از جمله سوریه، یمن و آنچه دخالت ایران در کشورهای عربی و «تروریسم» بودن حزب الله خوانده اند، نیز اختلافات جدی با یکدیگر داشته اند.

در همین راستا، روز یکشنبه، یک روز پیش از برگزاری نشست نهایی، کمیته‌ای چهارجانبه شامل عربستان، امارات، بحرین و مصر و با حضور دبیرکل اتحادیه عرب تشکیل شد و در بیانیه‌ای خصمانه جهت حاکم کردن جو ضد ایرانی در نشست پایانی، بار دیگر ادعاهای عربستان و حامیانش درباره دخالت ایران در کشورهای عربی را مطرح کردند.

در این بیانیه که به عنوان «مشاهدات» در اختیار شورای اتحادیه قرار گرفته بود، اعضای کمیته، ایران را متهم کردند که از «گروه‌های تروریستی» حمایت می‌کند و در سطحی گسترده در امور کشورهای عربی «مداخله» می‌کند. این بیانیه نامتعارف علاوه بر تکرار ادعاهایی درباره جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس، از تهران خواسته تا «واقعاً به حسن نیتی که آن را تبلیغ می‌کند و آرزوی کلامی افزایش روابط با کشورهای عربی عمل کند».

این در حالی است که در همان روز یکشنبه، سخنگوی اتحادیه عرب به صراحت گفته بود که درباره دخالت ایران در امور کشورهای عربی و همچنین «تروریسم» خواندن حزب الله، میان کشورهای عربی اختلاف نظر وجود دارد.

در همین زمینه، «تمام سلام» نخست‌وزیر لبنان هم پیش از شرکت در نشست اتحادیه عرب در موریتانی گفته بود که در صورت مطرح شدن مسأله حزب‌الله در این نشست، از مقاومت لبنان حمایت خواهد کرد.

او گفت: «بیروت با هرگونه بیانیه که حزب‌الله را «گروهی تروریستی» بخواند و ایران را به دخالت در امور داخلی کشورهای عربی متهم کند، مخالفت خواهد کرد».

از طرف دیگر، هرچند در بیانیه پایانی بندهای تکراری ضد ایرانی به چشم می‌آمد، گزارش‌ها حاکی از آن بود که عراق و لبنان به صورت جدی با بندهای ضد ایرانی بیانیه مخالفت کردند؛ به طوری که عراقی‌ها تأکید کردند به جای متهم کردن ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای عربی، اتحادیه عرب باید به ترکیه برای بیرون راندن نیروهایش از خاک عراق فشار آورد.

در مورد اختلاف نظر میان اعضای اتحادیه عرب در این اجلاس به مانند اجلاس های قبل نیز «محمد محمود ودادی» مقام دیپلماتیک سابق موریتانیایی نیز گفت، بعید می داند این دور از نشست اتحادیه عرب به دلیل عدم توافق کشورهای مشارکت کننده بر سر بسیاری از مسائل، دستاورد جدیدی داشته باشد.

ودادی به سی.ان.ان گفت: «اتحادیه عرب از مشکلات زیربنایی رنج می برد، به ویژه در مورد آنچه آن را پراکندگی عرب ها در مورد سوریه، عراق و یمن می دانیم».

یکی دیگر از موارد اختلافی مسأله فلسطین بود. در حالی که برخی از اعضای این اتحادیه نظیر عربستان، امارات، بحرین و مصر به دنبال تحریک دیگر اعضا برای گنجاندن بندهای ضد ایرانی در بیانیه پایانی و محوریت قرار دادن به ادعاهای خود مبنی بر دخالت ایران در امور داخلی کشورهای عربی بودند، برخی دیگر نیز بر لزوم اهتمام جدی به مسأله فلسطین تأکید کرده بودند.

نکته قابل تأمل آنکه، موضوع فلسطین دلیل اولیه و اصلی تشکیل اتحادیه عرب در سال 1946 بود و اجلاس های بعدی بیروت در سال 1956، قاهره در سال 1964 و خارطوم در سال 1967 هم بر محور همین موضوع تشکیل شدند و در اجلاس خارطوم سه اصل «نه به صلح»، «نه به گفت و گو» و «نه به رسمیت شناختن اسرائیل» به تأیید سران رسید. حالا وضعیت به جایی رسید که حمایت از ملت فلسطین، تنها به یک لفاظی صرف در اجلاس سران تقلیل یافته و به جای آن، چشم بیشتر رهبران عربی به اسرائیل است تا آنجا که در زمانی که نشست اتحادیه عرب در حال برگزاری بود، هیأتی عربستانی به ریاست «انور عشقی» به اسرائیل سفر می کند و از لزوم بهبود روابط با اسرائیل سخن می گوید.

ملک محمد پادشاه مغرب نیز در بیانیه خود گفت: «ما نمی خواهیم در کشورمان اجلاسی در سطح سران برگزار کنیم که نتواند خدمتی به دفاع از مسأله اول اعراب و مسلمانان یعنی مسأله فلسطین و قدس بکند، به ویژه که شهرک نشینی اسرائیل در اراضی فلسطین اشغالی همچنان ادامه دارد و نقض حرمت اماکن مقدس مسلمانان همچنان مستمر است و شمار کشته ها و زندانیان فلسطینی رو به افزایش است».

بعد از برگزاری نشست اخیر، بسیاری از تحلیلگران جهان عرب گفته اند که دیگر موجودیتی به نام اتحادیه عرب وجود ندارد که ملت های عربی بخواهند بدان امید داشته باشند. هدف عمده اتحادیه مسأله فلسطین بود که دیگر مسأله اصلی کشورهای عربی نیست و به همین دلیل نیز این اتحادیه با بحرانی به وسعت فروپاشی مواجه شده است. در واقع، دولت های عربی اگر به خاطر حفظ اعتبار و حیثیتشان نبود، در همین اجلاس مرگ اتحادیه را اعلام می کردند.

در همین رابطه، «عمر عیاصره» نویسنده نشریه «السبیل» اردن پیش بینی کرده بود که اجلاس سران عرب نتایج قابل ذکری نداشته باشد و شکست بخورد.

وی نوشته بود: «اجلاس سران عرب به طور قطع شکست خواهد خورد و امیدی به آن نمی رود. نقاط عطفی در آن به چشم نمی آید؛ اما آنچه از درد و رنج این امر می کاهد این است که ملت های جهان عرب دیگر توجه و اهتمامی به آن ندارند». عبدالمنعم المشاط از روزنامه الشروق مصر نیز با طعنه به اوضاع داخلی جهان عرب تأکید کرد که «ما در زمانی غیرعربی زندگی می کنیم».

خبرگزاری «اخبار فوری» موریتانی نیز روز سه شنبه از جزئیات اصلی غیبت رهبران عرب در بیست و هفتمین نشست سران کشورهای اتحادیه عرب پرده برداشت و نوشت: «برخی رهبران عرب خلیج فارس که نامشان ذکر نشد تلاش داشتند تا مشارکت هیات های عربی در سطح بالایی صورت نگیرد و این نشست شکست بخورد».

این خبرگزاری در گزارشی نوشت: «در دقایق پایانی اطلاعاتی را به دست آورده است که نشان می دهد برخی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس حمایت خود از برگزاری نشست سران اتحادیه عرب در نواکشوت را متوقف کرده اند».

از سوی دیگر باید گفت: وقتی سران کشورهای موسس اتحادیه عرب همچون عربستان و مصر حاضر به حضور در نشست های این اتحادیه نیستند، چه انتظاری زیادی می توان از این اتحادیه و نشست های آن داشت؟ به نظر می رسد، این نشست بیش از هر چیز انعکاس یک بحران جدی در این اتحادیه و فروپاشی احتمالی آن باشد و به همین دلیل بود که اعضای اصلی و موسس آن نیز حاضر نشدند در نشست روز دوشنبه آن حضور یابند.

منبع: تابناک